



روزنامه آذربایجان

چاپ و نشر

شاپاه ۲۵۰  
ششماه ۱۴۰  
برای کارگران و کشاورزان و مسکین  
و کارمندان مزدورانی صدی بیست تخفیف  
مشروطی میگردد  
بهای آذربایجان دفتر اداره است  
چاپی اداره:  
(خیابان لاله زار - پانزهارم)

آذربایجان روزهای یکشنبه - دوشنبه و پنجشنبه منتشر میشود  
این روزنامه عضو جبهه آزادی است

دولت ساعد با تو قیفر و ز نامه  
های جبهه آزادی می خواهد  
مملکت را چکی به بیگانگان  
و مرتجعین بفر و شد

دولت ساعد خیال میکند باشکستن خامه  
ها و بستن زبان هابر احساسات مردم  
فائق خواهد آمد.

دولت ساعد بفری از فضا را تپا می و سید اطلاع ابدین و همکاران خود  
اوبار و باوری ندارد.

دولت ساعد آلت لا ارائه عناصر فاشیستی کاپنه خود واقع شده است.  
دولت ساعد دارد مملکت را به برنگاه فنا سوق میدهد.  
دولت ساعد مظالم سیاست بگفتره استناری است.

پرده ها پار هم میشود  
ماسکها فرو میریزد.  
ساعد و معلمین ساعد  
خود را گاملا معروفی کرده اند

مناسبات دولت اتحاد جماهیر شوروی  
و دولت ساعد روز بروز نزدیک تر می  
شود.  
مطبوعات شوروی بیچاره شده اند  
برده را ازوری کار برداشته دشمنان  
آزادی ایران را که مد لفتی دوستی  
شوروی و ایران هم هستند اسما و رسا  
مرفی بکنه و سیاست فاشیستی آنهارا  
آشکار سازد.

ماروزه شدید روزنامه های داخلی  
ساعد را از پشت پرده نفور و ربا و  
حق جانب بیرون کشیده او را جاسه  
شناخته است.  
دو آغار آن کششک ناسف آور  
مردم شاید حق را بجانب ساعد و  
هنگران او میداند ولی امروز برای  
کسی جای شبهه باقی نمانده است که اینها  
علا دانه ایران را با غرض او جاع  
بین المللی میانه اند و بواسطه حاجت  
و مساجت میورد خودی آزادی و استقلال  
ایران خیانت میکنند.

امروز نیز از عهده معرودى سکه  
آلت دست سید و شیباه واقع شده اند همه  
سیاست یک سبانه دولت را تبتیح می  
کنند و موقوف فوری آنرا لازم میدانند  
دولت ساعد مثلا ثابت کرده که از  
عناصر رده شوروی بلکه دشمنترین تشکیل  
شده است.

آنانی مشار دارد روزنامه های  
دولت شوروی را اداره میکند. آتانی  
دکتر نمین وزارت پیشه و هنر را بکانون  
فاشیستی میگرد کرده عناصر آزادیخواه  
و مبین پرست را از کار مناف میکند.  
کامیابی دوسامرس مختلف دستران  
و سیران را می بدد بدین واسطه -  
آخوند هانن قرض میدهد و آسمان  
نعمی و ارتجاعی سید ضاعرا بوضع عمل  
می گذارد.

فکرند و نظامی بر علیه روزنامه  
های آزادیخواه جک سابقا اعلان کرده  
آنها را یکی بعد از دیگری توقیف می  
کنند.  
سرور در این موقع بزرگ اسنادار

ساعد مواز نه عقلی خود را  
گم کرده است  
حکومت نظامی از حدود امتیازات خود  
تجاوز میکند

حزب توده نیز از قیام معلوم در نظر  
داشت در این سایش شرکت بکنند  
برای جلوگیری از سوء تفاهم مراتب  
کتبا با فرمانداری نظامی نیز ابراهیم  
متنحه اطلاع داده شده بود  
حکومت نظامی عوش اینکه از  
احساسات عمومی تقویت بکنند از اینکه  
مایش دهند گان او را از تصمیم خود مطلع  
کرده بودند و شورش با شد رسا اجتهادات  
را فتنه کرده دستور بفرموده جدا از  
هر گونه مایش جلوگیری بشود  
و سایر داده شده بود مایش ساعت  
سه بعد از ظهر خواهد بود با وجود این  
حکومت نظامی امر میکند صبح ساعت  
هشت بکنند سر با بکلی آنها را توقیف  
های زومپوش دو خیابان اردوسی حاضر-  
توقیف توده و مرکز هبت متوجه را  
اقتال میکنند.

نویسنده: سولتوف  
ترجمه: رضا آذر خشی  
خلاصه مقاله روزنامه «بزرگ»  
از گمان رسمی دولت اتحاد جماهیر شوروی  
درباره پیش آمده های اخیر ایران

روز سه شنبه گذشته سازمانهای  
آزاد بخانهان مومم شده بودند بنامت  
بیست وهفتین سال انقلاب کبیر اکثر  
چشمی برپا کرده تلگراف تبریک به  
مارشال استالین رهبر اتحاد جماهیر شوروی  
بفرستند  
هبت متوجه مرکزی کارگران و

روز سه شنبه تقریبا تمام روزنامه های تهران مقالات اساسی خود را  
به بیست وهفتین سال انقلاب کبیر اکثر تعظیم داده از روی احساسات صمیمانه مال  
اتحاد جماهیر شوروی و رهبر بزرگ آنها - مارشال استالین را تبریک  
گذاشته بودند.  
این خود ثابت میکنند که ملت ایران خود را دوست صمیمی ملت اتحاد  
جماهیر شوروی میدانند و از بالای سر سانه ها و سایر مرتجعین دست  
برداردی بظرف آنها دراز کرده در جشن بزرگ آنها مالا مالا شرکت میکنند

موفقیت روز ولت  
روز ولت برای چهارمین بار در راست جمهوری  
امریکا انتخاب گردید.

طرف طبقات زمامداران ایرانی بنحوی که  
باید تعظیم نشود  
رضاشاه پیش از پیش اجاری سیاست  
فیردوستانه نسبت بان اتحاد جماهیر شوروی  
سوسیالیستی شروع نمود.  
روابط تجارونی بسبب با اتحاد  
بانی در ۲۰ مه ۱۳۰۴

استغراق اتحاد ایران اتحاد شوروی  
و بر بنیادی کبیر روشنگرکی کامل  
سیاست خارجی مخالف متنفذین و مخالف  
شوروی شاه سابق ایران رضا پهلوی را  
متنض بود.

اتحاد شوروی اولین بار از قیام  
دادگاهی غیر متساوی العقولگی که با بران  
تعیین شده بود گذشت و آرمان اساسی  
برای ری و احترام حقوق حاکمیت ایران  
را اذعان نمود و بدین ها ایران بر طبق  
آن روابط خود را تا کشور های دیگر  
متنظر ساخت.  
اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی  
دو باره ایران را برای انشای رژیم  
کاپیتولایون و استعزاز نه فقهی آزادی  
و اجاری احساسات تجاروت خارجی و غیره  
کک میکند.  
لکن این سیاست دوستانه اتحاد  
شوروی نسبت بوسایه های خود پیوسته از

وزارت مأمورین بسیار شدید و  
توهین آور بوده مانند توهین بشاگرد  
مبارکی کارمندان کتوب و اتحادیه ها را  
مورد تعقیب و توهین قرار داده هلمه هر  
اوسته همین قدری وسالون نهار شوروی  
را توقیف محروم بفرمانداری نظامی  
میدارد.

بانی در صفحه ۳

کابینه ساعد بن و دی سقوط میکند

### خلاصه مقاله روزنامه «آزین»

بقیه از صفحه اول

شوروی به زبان روابط اقتصادی خود ایران همسر و مسواک های شالی آن متوجرا خریف می شود.

سپاری از سادات اقتصادی و فرهنگ شوروی در ایران به تفضلی زاده اواران ایران بسته بهنده. تمامی که نسبت به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی شرافتنامه و زنا می کردند مورد تفتیب قرار می گرفتند.

دولت ایران به عشق تبهانی که طبق بیان ها رفتار دارد. ما بپنده گرفته بودیم. طبع طریق ماهه ۱۳ بیان سال ۱۹۲۱ (۱۳۰۰ خ) دولت ایران تبهانه شده بود امتیازات سابق خود را در کشور که طریق خاطر بر عوض طبق بیان مزبور بود و اگر داد شد و بیایان های خارجی و از اتباع آن ها نهاده.

این توضیح از منافع سوسیالیست اتحاد شوروی نثری بر کرده بود و بناسبت که که اوای امتیازات لاملاصه در نزدیکی مرزهای استونی آن قرار داشت.

اینک دولت ایران گردان افرازا این شرط بسیار بر نفس می کرد.

ملا دوست ۱۹۲۱ (۱۳۰۰ خ) دولت ایران امتیازات در پنج استان شامل ایران (آذربایجان، گیلان، مازندران، کرمان و خراسان) و شرکت امریکایی (استاندارت کربل و واگدار کرد که سابقا عمل امتیازات روسها بود.

این امتیاز بران نفس قرار داد امتیازی نلو کرده.

در سال ۱۹۲۳ (۱۳۰۲ خ) دولت ایران امتیاز نفت شمال ایران را به شرکت امریکایی (استیلرک) داد.

۱۶ ژانویه ۱۹۲۷ (۱۳۱۶ خ) مجلس ایران امتیاز شرکت امریکایی (داوار) و در واقع شرکت نفت و شمال شرقی ایران تصویب نمود. این امتیاز بین متصرف قسطنی از امتیاز های سابق روس بود. امتیاز از طرف خود شرکت هلی نشد.

در ماه مارس ۱۹۲۸ (۱۳۰۷ خ) مجلس ایران داد با شرکت نفتی (الجانیه اکیانو و تسبه) برای اگرداری حقون اکتشاف و بهره برداری نفت در ایالات شمالی ایران و تصویب کرد که قسطنی از امتیاز های سابق روس جز امتیاز آن بود.

ضمنا در قطعنامه شان امتیاز در ده کیلومتر مسافت از ساحل دریای خزر همور می کرد.

دولت ایران با وجود امتیازات قانونی طرف شوروی از انقضای قرارداد با شرکت نفتی امتیاز قطع کرد در اوایل سال ۱۹۴۴ (۱۳۲۳ خ) نلو کردید.

دولت ایران که با این امتیاز خواهان کشور های دیگر را جلب می کرد. همه گونه مانع فعالیت شرکت ایران و شوروی از کبر شورویان می شد.

دولت ایران که در سال های آخر قبل از جنگ پیش از بیست بیست هفتاد نسبت به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را ایجاد می کرد خط شی زندگی و با آلمان نازی و انتفاع بوده بشمار دولت میخواست آنرا بنزله بروی متداول در برابر اتحاد شوروی و انگلستان مورد استفاده قرار دهد.

لیا آلمان نازی میخواست ایران را به منظور هم فرستاده خود. مورد استفاده قرار داد حال آلمانی بنام مدنی می آسا

ظاهر با زبان (متخصصین) (نابینه گان) بنگاه های بازرگانی و صنعتی (متناریگان) (موانکردان) و غیره ایران و اعطای کرده. تعال بر جسته جاسوسی آلمان (فرانس) (برائش) (زادارنویج) (گساروتا) و دیگران رفته ها و انتباهای جاسوسی و تشکیلات خراب کاری را در ایران ایجاد نمودند.

(فرانس مایر) (شولتس حزب ملونین) نامی سوزنا بخت و با وجود آلوده که در هافرش و واردات و صادرات ایزاد و از پشت سر بنشین شریعت برانده و راه آزاد برای ورود قشون آلمان به ایران از طریق قفقاز باز کند. با نابود شدن ارتش آلمان در قفقاز تحت حال هینرل دیجار اضمحلال گردید. آنوقت آلمان تصمصم گرفته بود فعالیت شرکای و کشتار (تروپسکی) دست ببرد. لکن شرکای خود و جاسوس ها با کشف و دستگیر شدن با انهدام تشکیلات ملون فعالیت ها متصرفات را ضایع و قاشین قطع شده آلمان نفوذ خود در زنده گالی سیاسی ایران ادمه میبندند خود آن تاکنون در کنترل شدی سیاست ملون دولت کفری که کامداد در روسی آن است. ساعده که خود را دوست اتحاد شوروی و مارشال های کربل میخوانند. اینتقین باوجه مریدعه با عدم خدمه و فرودگشای افکارا ایزاد میبارد. مدارت از این برای نشان دادن اختلاف قاضین بین هلیات ساعده با اظهارات و اظهارات دادن های او کالی است.

ملا دوست که از داشت اعضای تشکیلات ملون جریان داشت ساعده با بازاری برای جلب و تفریب و معیازات این حال هبناری مقاومت بنشیند. بهر هلیات مکرر شغاهی و بنشیند مقنن با ظهور افسران قسطنی نسبت بنشیند گنگشگر افسران فاشستی که مرتبک هلیات شرکای خود میبندند و کلان دامی در نلو تارونک گرفتند و با محصل میبندند نتیجه لازم بنشیند اعضایی که بهزودی کلی بارهای جنگی اشتغال داشتند مجازات می شدند و حال آنکه هملا واضح است که دولت ایران بنزله متفق اتحاد شوروی و انگلستان خود باید در برابر کوبیدن این سادات ها و از این سالم بودن آنها بنسابتند که محمولات ایران تجهیز ارتش دولت آنوقت تصمصم یافته که بر علیه هم مشترک بین آلمان هبناری مبارزه میکنند بنذیع باشد.

رفتار غده آمیز و غریب و سواد ساعده نسبت با اتحاد شوروی سرباز در تصمصم کلانی که در مورد این امتیاز دارد در دولت بواگرداری امتیاز نفت به اتحاد شوروی جلوه گر شده است.

در ماه سپتامبر امی مقام کبیر ملی امور خارجه اتحاد ایزاد میبندند دولت شوروی را در غمور و واگرداری امتیاز نفت در شمال ایران با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سباعه تسلیم نمود. نخست وزیر ساعده در مجامع با فائز ایزاده این پیشنهاد را حسن تلقی نمود و وعده داد از طرف خود همه اوع مساعفتم کند.

لیکن پس از ایندین کابینه تصمصم گرفت بهت در این مسئله ساعده از جنگ موکول نشد و لغو است سنی شرایط پیشنهادی طرف شوروی را امتناع با مطالعه کند.

مطموع نیست از چه حث و اشتعبار

### موزیکها

داستان موزیکها از چرخش نرجه آنای کریم کناورز از چاپ خراج در اداره آژیر و کتابخانه آکادیمی آژیر جلای در بیان پرورش میرسد.

سبست بن المللی بنظر ساعده روشن است برای چه باید منظر قطع معیبات جنگی شد در صورتیکه حدود ایران از خنجر از منطقه جنگ است و یک پاره و شویت کنونی بنوانه مانده آمده نمودن زمینه روابط وسیع اقتصادی ایران با دولت دوست ساعده در زمان سعاد جانک خود بود. ماسه است که تصمصم دولت ساعده ناشی از روابط بدخواهانه نسبت با اتحاد شوروی است.

در اساس این تصمصم همان دلایلی وجود دارد که نسبت با اتحاد جماهیر سبست با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تعیین میگردد و در همین حال برای منافع خود ایران هم مؤثر خواهد بود. زبان آرد بود و ساعده بنام سبیر کبیر او در مسکو جدا آرا هلی می نمود.

نقست وزیر و دولت او با هیچ خود دیگر بر آن نظار نمود آن عناصر ایرانی ایران ایستادند سبست کننده دولت ساعده سبست میبندند استناد بکنند باریکه منظر اساسی موازنه و سر مشرف قرار دهد و راجع و اگرداری امتیاز نفت نسبت پیشنهادات اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، انگلستان و مساعده متهمه امریکایی میباشند یکسکن رفتار کرده است ولی این استناد قانع کننده نبود. طوری که معلوم است انگلستان اکنون ایران امتیاز و سبب خود جزو ایران هست پس چرا اتحاد ساعده شوروی باید پیشنهاد خود را معترض باشد. لغت دولهال ایران با وجود راجع مطبوعه برای ایران جواب در بنشدن.

ساعده شاه معتمد بود دولت ایران با این امتیاز های شرکای با این شرکای های امریکایی میبندد. علاوه بر آن دولت ایران در جریان اتصال با نایبته گان شرکای امریکایی و انگلیسی در بناره شرایط واگرداری در جنوب ایران مذاکره می کرد.

ولی سبست اینک اتحاد شوروی اظهاری راجع میبندد که این امتیاز در شمال ایران نبود. دولت ساعده فرانسه تصمصم میگردند بدون اینکه بخواهد حثی از شرکای امتیاز پیشنهادی مطلع شود.

تقابل دولت ساعده سیاست یک جانبه حالا در تصمصم راجع بسبسته امتیاز نفت با سرعات خاصی مودع شده است. مورد تصریح این موضوع همسرما است دلیل مسلم است که در (اشارف ساعده) عناصر ارتجاعی گرفته اند و نیز باین است که بر حرارت تر است طرفه اراوسید شراههالین معروف است و اوشعصتی است که از تدبیر خنجر خود را میبندد با حرف و اختلال مبین خویش بتاح اربابهای خارجی خود قرار داده و دو مدعت نیست سال جرت نیکو در ایران ظاهر بشود.

(نهایت نوسنده روزنامه آزینوستیا از روزنامه های داد و آژیر دلالسی ذکر کرده پس از شرح معیبات امتیازات سببیه اادین و اختراع اشرافیان ایران مقاله با حرارت و متنی دار خود را بنسابتان ایران و امریکایی سعادته آن واخبارات در بیخانه میبندد).

ولر و روزنامه سببیه اادین بزرگ آریانه این مسئله را به یکسکین بکفرانده که چگونه استقلال و حق حاکمیت ایران با این عمل احمقانه دولت قسطنی خود در یک سبکانه بی دروازه ای بدون هیچگونه قراردادی جور در میاید

### اگر غیرت تبری با لار تباشی

بقام بی نیاز

۱- هیچ میدانی بروز مرد ؟

۲- کدام روزی بروز خودمان ؟

۳- آهای بروز خودمان ... بجزاره خوشتر است ؟

۴- آه ! مرگ من ! چرا آخر چه چیز کم بود ؟

۵- چه میماند ؟

۶- حیف !

۷- ریاضت !

۸- حیف !

۹- خوش ذوق ! چه خوش صورت !

۱۰- آه ! آن چنان میش بلان نگاه مسرم !

۱۱- آن طبع شوخ ! آن خنده های بی دروغ !

۱۲- آن احساسات پاک ! آن اشکهای نرینا !

۱۳- آن سادگی ! آن خوش باوری !

۱۴- در بیان تو ! دوست من ! بپوها !

۱۵- ولی آن بچه های دوست داشتی ... که اگر صدگانه میگرد ... آدم فرم داشت برینش یاد بود ...

۱۶- راستی ! بزرگ است دیرانه بشوم. چرا خودش و اکت آخر !

۱۷- نلاز کم بود ... خوشانت طاقت یاد بود ...

۱۸- طاقت چه ! سکر چه ! بگو آخر ! تو که گفتی کم کردی !

۱۹- خوب ! مگر نیدی ... تازه کی مرس کرده بود ...

۲۰- تا از آن !

۲۱- با دختر آن سر نه که ...

۲۲- هیچ نیدانستی ... اما رفت ... کوا ! تاکنون دوبار این رسم یاد کیسکه مرسوی میکند بند و خودشرا بکشد !

۲۳- دوست ! دوست ! دوست !

۲۴- ولی چه !

۲۵- در بیان تو ! از گفتنش جای میبندم ...

۲۶- چه شرمی چه خیالی ! ده زود باش بگو !

۲۷- آخر خوب نیست ... بیشتر مردم حرف زدن ! ولی با این اسرار تو دیگر چاره چیست ! نه ! هوشنگ جان ! بگوفته پیش من شیب دوکانه بودم در کالی نادی ...

۲۸- اگر اشتباه نکنم ... آنفا دور گوشه دور افتاده ، حیاط ، سر میز نشسته بودم و به تفهه ای ناشای و سبکی گوش میدادم. کم کم دادم کسل میشدم و میباشتم برخیزم بروم. ناگه دیدم یک پاره روزی؛ سر بریز و بنشاند و بکده رسید و برین اعتنا نبود. بظرف میزی در آن نزدیک رفت. او را سدر کلام کرد و خود و رو بین نمود. و استنرم برداشت : ابروهای من ! بیسته اش کرده خورده ، چشماش از حده پرتامه ، لبان بیرنگش لرزان ، صورتش سفید تر از کرم زباز بود. بافاده گفتن بیامد ، بافاده تلخ معموالنده بچه های که بنفش کرده اند ، پیش من ایستاد و برای سلام ای چاهانه. ولی آرازش چنان ضعیف بود که بگرش من لرزید. بگفت منبش نشست ، انگشتان دراز و سفیدش ، با صمیمیت ، روی من لب میزد و مای پاری راستی پیش اغیار بینش نمودن ماهین خیابانی میبیدید. از امواتش بر میسید ، بگفتند با نگاه دور و راج دیده اش در من گریست ! تا آنکه جواب کوتاهی از میان دانهای بوم فشرده اش بیرون آمد :

۲۹- خوب است از خوب است !

۳۰- دلم رو با سوخت ، دیگر چیزی نگفتم . او هم غمناک ماند .

۳۱- ولی بس از اندکی ، طبع مهربانش بیآمد و با لبه غمناک انگیزی رو بین نمود و برسیه :

۳۲- تو چه طور فریاد تو خوبی ؟

۳۳- از دینم و از آن حالت چنان پریشان خودم که نعلمش بسیار دشوار بود ، ناچار خواستم کتم که او مدته خود را با من بشکاید ؛ اما هاید که دلم آنک سبک خود ... زیرا بیان تو ، بریز از آتاهای بود که هم و اندره او بر همه کی ناگوار میشود .

۳۴- گوی که او جز برای خنده دوستی و مهربانی آفریده نشده بوده باوی ... دست او را بگیرم گرفتند و فرمود ، در جواب او گفتم :

۳۵- بریز ! حال من هر چه هست باشد ... جای نگرانی نیست . اما حال تو بگریز ! من میبندم که هیچ خوب نیست . راست بگو ؛ بلا چه آمده است ؟

۳۶- قلمونی در او دیدم که زود میترس گشت .

۳۷- بریز ! بیان بسته خود را با من پیش آردد و با نعب و تیرید ، در من نگریست ، و غواست باز دیگر ، با دو کله ، مرا از سر خود کند .

۳۸- بظوری که معلوم است شیر از نشون فروری و برتابانی که طبق بیان اتحاد دوسود ایران بهرودارد ، اجتماعی و ناشیاست جمعی در تهران نیز ؛ از همین قشون امریکایی هم هست و این قشون بکشیون فروری آمد با دولت ایران در آنجا ایستاد دارد .

۳۹- با این گفت که معلوم وسیع جامعه ایرانی میبندد که ساعده نفس زبررسی میبندد کشور را در راه زبسان آرد زخیم روابط با دولت متفق حساسیت که ایران با آن حق حاکمیت و استقلال سیاسی خود را بدست آورد

